

راهنمایی کارآمد

مروری بر اهمیت نظام راهنمایی و راه‌های تحقق آن



ابراهیم اصلانی
نویسنده و پژوهشگر

اجتماعی، و امکانات و ابزارها. بدیهی است که مفهوم «راه» برای همه یکی نیست و هر نظام اجتماعی به تناسب برداشت خود از زندگی و نیازهای انسان‌ها، راه خاصی را برمی‌گزیند و برای راهنمایی هم اهداف و برنامه‌های ویژه‌ای را در اولویت قرار می‌دهد.

ما و نظام راهنمایی

از آنچه گفته شد برمی‌آید که یکی از وظایف عمده و اساسی هر نظام سیاسی و فرهنگی، راهنمایی است. راهنمایی در دنیای مدرن، منظم، گسترده و متنوع امروزی باید در قالب «نظام راهنمایی» عمل کند؛ موضوعی که ما به شدت درباره آن ضعیف عمل کرده‌ایم. یکی از بزرگ‌ترین کاستی‌های کشورهای کشور ما و نظام فرهنگی و تربیتی آن، از سالیان دور تاکنون، ضعف شدید در بهره‌مندی از یک نظام راهنمایی منسجم و مؤثر بوده است. در حدود ۱۵۰ سالی که ایران وارد چرخه دنیای مدرن شده و آثار و تبعات آن در جنبه‌های گوناگون و از جمله در تربیت و مدرسه‌داری نمود یافته است، ما به نظام راهنمایی توجه چندانی نداشته‌ایم و هنوز هم نداریم. در جامعه ما، انسان‌ها به دنیا می‌آیند، مراحل رشد و تحول را می‌گذرانند، تربیت می‌شوند، تشکیل خانواده می‌دهند، با انواع چالش‌ها مواجه می‌شوند، زندگی‌شان را می‌کنند و در نهایت، دنیا را وداع می‌گویند، بدون آنکه در یک چرخه فعال، سنجیده و برنامه‌ریزی شده راهنمایی قرار گرفته باشند. در دهه‌های اخیر، اینترنت و گسترده‌ی اطلاعات موجب شده است حداقل بخشی از نیازهای راهنمایی به‌موقع به دست انسان‌ها

کلیدواژه‌ها: راهنمایی، تربیت رسمی، تربیت غیررسمی

اشاره

«راهنمایی» همیشه یکی از الزامات زندگی انسان بوده است. انسان برای زندگی مؤثر و شادمان نیاز دارد خود را بشناسد، وضع فعلی‌اش را درک کند، درک درستی از دنیا داشته باشد و نقش اجتماعی خود را به‌خوبی ایفا کند. بخش عمده‌ای از تحقق این نیازها منوط به آن است که فرد از بدو تولد تا پایان زندگی از موهبت راهنمایی برخوردار باشد. هر انسانی در هر مرحله از زندگی به‌نوعی از راهنمایی نیاز دارد. به تعبیر دیگر، راهنمایی نیازی مستمر در تمام طول زندگی است و هیچ انسانی، هیچ‌وقت از راهنمایی بی‌نیاز نیست.

شاید ما توسعه و پیشرفت جوامع را با میزان رفاه و آسایش مردم بسنجیم، ولی به‌طور حتم جوامع پیشرفته و توسعه‌یافته از یک نظام منسجم و مؤثر راهنمایی نیز برخوردار هستند؛ نظامی که به ارتقای رشد شخصی و روانی افراد در مسیر رشد اجتماعی کمک می‌کند. «راهنمایی» رسالت پیامبران و یکی از مهم‌ترین ارکان سعادت دنیوی و اخروی در ادیان الهی محسوب می‌شود. پیامبران آمدند تا هادی، بشیر و نذیر باشند و در مقام راهنمایان بشر، وظیفه داشتند راه سعادت را به او نشان دهند. در آیات ۵۶ و ۵۷ سوره فرقان می‌خوانیم: «ما تو را جز برای بشارت و بیم‌دادن نفرستادیم. بگو من در برابر رسالت پاداشی از شما نمی‌خواهم، جز اینکه هر کس بخواهد، راهش را به سوی پروردگارش برگزیند.»

«راهنمایی» نشان دادن «راه» است به تناسب مراحل زندگی، اقتضائات فرهنگی، خواسته‌ها و نیازها، تفاوت‌های فردی و

برسد، اما همین روش هم چون تابع هیچ قواعد و اصولی نیست، ددرسهای جدیدتری به وجود آورده است.

نظام راهنمایی به معنای آن است که انسان‌ها به‌موقع، بجا، مفید، تخصصی و مؤثر راهنمایی شوند تا بتوانند به خودآگاهی برسند، خوب زندگی کنند، از دانش زندگی بهره‌مند باشند و اطلاعات پایه و حداقلی دربارهٔ چالش‌ها و مسائل زندگی به دست آورند. راهنمایی باید بتواند اطلاعات اولیه و ضروری زندگی را در اختیار انسان قرار دهد تا او ویژگی‌های سنی‌اش را بشناسد،

ارتباط مؤثری با دیگران برقرار سازد و در موقعیت‌های گوناگون، با آگاهی و شناخت عمل کند.

وقتی از نظام راهنمایی سخن می‌گوییم، مخاطب عمده و اصلی نظام سیاسی و فرهنگی کشور است. هر نظام سیاسی و فرهنگی از طریق نهادهای رسمی و

نظام راهنمایی به معنای آن است که انسان‌ها به‌موقع، بجا، مفید، تخصصی و مؤثر راهنمایی شوند تا بتوانند به خودآگاهی برسند، خوب زندگی کنند، از دانش زندگی بهره‌مند باشند و اطلاعات پایه و حداقلی دربارهٔ چالش‌ها و مسائل زندگی به دست آورند

غیررسمی برای تحقق اهداف و برنامه‌های راهنمایی عمل می‌کند. تربیت غیررسمی (خانواده و جامعه) و تربیت رسمی (آموزش و پرورش)^۱، از مهم‌ترین نهادهای عملیاتی نظام راهنمایی محسوب می‌شوند. هر نظام سیاسی و فرهنگی کارآمد و موفق، به صورت نظام‌مند و منسجم وظایف راهنمایی تربیت غیررسمی و تربیت رسمی را مشخص می‌کند و دیگر نهادها و ارکان اجتماعی را هم با آن‌ها همراه می‌سازد. به عنوان مثالی ساده، اگر قرار است فرد در مورد فرهنگ ترافیک راهنمایی شود، این اقدام در خانواده شروع می‌شود، در

مدرسه ادامه می‌یابد و جامعه آن را تکمیل می‌کند. اگر می‌خواهیم انسان‌ها را راهنمایی کنیم تا مسئولیت‌پذیر و متعهد باشند، باید همهٔ ارکان نظام راهنمایی، فرد را در این مسیر پیش ببرند. یکی از دلایلی که آموزه‌های راهنمایی در جامعهٔ ما به نتایج مورد نظر نمی‌رسند، ناهماهنگی و آشفتگی این آموزه‌ها و به تعبیر درست‌تر، ضعف و ناکارآمدی نظام راهنمایی است.

نظام راهنمایی و مدرسه

نقش راهنمایی مدرسه از موضوع‌های مغفول نظام آموزشی کشور ماست.^۲ می‌توان ریشهٔ بسیاری از مشکلات رفتاری و حتی آسیب‌های اجتماعی رایج در مدارس را در نادیده گرفتن نقش راهنمایی جست‌وجو کرد. ما موارد لازمی را که باید دانش‌آموزان بدانند تا بتوانند براساس آن تصمیم‌های درست بگیرند، یا اصلاً نمی‌گوییم، یا درست و منطقی نمی‌گوییم و یا به‌موقع و بجا نمی‌گوییم. بنابراین، نظام تربیت رسمی (آموزش و پرورش) باید برنامه‌ریزی جامع و همه‌شمولی برای ایفای نقش راهنمایی داشته باشد و از طریق مدرسه آن را اجرا کند. مدرسه و مدیریت آن هم می‌توانند نقش راهنمایی را جدی بگیرند و حتی همهٔ برنامه‌ها و فعالیت‌های مدرسه را زیر چتر راهنمایی ببینند تا از همهٔ امکانات و داشته‌ها در جهت هدایت دانش‌آموزان و کمک به آنان برای شناخت خود و دنیای خود بهره‌برداری شود. راهنمایی مؤثر، به‌موقع و بجا می‌تواند بزرگ‌ترین و گاهی ماندگارترین خدمت مدرسه به دانش‌آموزان باشد.^۳

تربیت رسمی (آموزش و پرورش) که نقش عملی آن را مدارس ایفا می‌کنند، باید بخش عمده‌ای از فرایند راهنمایی و یکی از ارکان نظام راهنمایی در جامعه باشد. در این باره چند نکته قابل توجه است: ۱. در نظام سنتی تربیت و تا همین چند دههٔ پیش، معلم‌ها و مدرسه کم و بیش نقش راهنمایی داشتند. یعنی بدون آنکه برنامهٔ مدونی وجود داشته باشد، هر معلم به فراخور شخصیت و دانش خود سعی می‌کرد علاوه بر درس و مشق، آموزه‌هایی از زندگی را هم برای دانش‌آموزان بیان کند. این نوع از راهنمایی، گاهی برای عده‌ای راه‌گشا می‌شد و برای عده‌ای دیگر جواب نمی‌داد. در سه دههٔ اخیر بنا به دلایلی، از همین نقش اندک راهنمایی معلمان هم کاسته شده است.

۲. یکی از عوامل کاستی در اقدامات راهنمایی از درک مفهوم «آموزش و پرورش» ناشی می‌شود. این برداشت که در مدرسه «آموزش» و «پرورش» وجود دارد و هر یک از این دو کار را افراد خاصی باید انجام دهند، موجب شده است که بار راهنمایی به سمت نیروهایی که تربیتی به حساب می‌آیند، متمایل شود و بقیه که آموزشی تلقی می‌شوند، انگیزهٔ چندانی برای راهنمایی نداشته باشند. اگر قرار باشد مدرسه نقشی در راهنمایی ایفا کند، این نقش می‌تواند بین همهٔ عوامل مدرسه توزیع شود و به عبارت دیگر، راهنمایی دغدغهٔ کل مدرسه باشد.

نظام راهنمایی باید به مثابه نقشه‌ای باشد که اولاً بتواند تمامی نیازها و الزامات راهنمایی کودکان و نوجوانان را به صورت علمی، منسجم، هماهنگ، هدفمند، همه‌گیر، نظام‌دار و برنامه‌ریزی‌شده، در همه سطوح سازمانی سامان دهد

۵. مدیران و معلمان گاهی مداخلاتی درباره دانش‌آموزان و حتی خانواده آنان انجام می‌دهند که ممکن است به توفیقی هم منجر شود. مثلاً با دخالت و مشورت مدیر یا معلم، از طلاق مادر و پدری ممانعت به عمل می‌آید و والدین به سازش می‌رسند. این گونه اقدامات را حتی اگر از منظر راهنمایی ببینیم، بدون مبنای علمی و تخصصی است. شاید هر کس ادعا داشته باشد که می‌تواند راهنمایی را انجام دهد، اما یکی از واقعیت‌ها آن است که راهنمایی هر قدر همراه با دانش و تخصص باشد، منطقی‌تر و تأثیرگذارتر خواهد بود. راهنمایی نباید با شیوه «کدخدانمنشی» یکی انگاشته شود. هدف از بیان پنج نکته فوق یادآوری نگاه ساده‌انگارانه به راهنمایی و فراهم آوردن امکان مقایسه چنین نگاهی با مفهوم نظام راهنمایی است. در تربیت رسمی و مدرسه‌ای، زمانی می‌توان از نظام راهنمایی سخن گفت که:

- منشأ نظام راهنمایی به اسناد بالادستی برسد.
 - نظام راهنمایی برای همه ابعاد شخصیتی دانش‌آموزان و همه نیازهای آنان برنامه داشته باشد.
 - همه عوامل نظام تربیتی و مدرسه به آن پایبند و متعهد باشند.
 - افراد از تخصص‌ها و صلاحیت‌های لازم برای ایفای نقش راهنمایی برخوردار باشند.
 - راهنمایی طی سلسله‌مراتب و سطوح پیش‌بینی و طراحی شده پیش برود.
 - بازخوردهای لازم از نیازها و کمبودها در مورد راهنمایی گرفته شوند و نظام راهنمایی در طول زمان و به‌طور مستمر اصلاح شود.
- نظام راهنمایی باید به مثابه نقشه‌ای باشد که اولاً بتواند تمامی نیازها و الزامات راهنمایی کودکان و نوجوانان را به صورت علمی، منسجم، هماهنگ، هدفمند، همه‌گیر، نظام‌دار و برنامه‌ریزی‌شده، در همه سطوح سازمانی سامان دهد. ثانیاً در سطح عملیاتی، یعنی در مدرسه، کارآمد و مؤثر باشد و چتری برای پوشش همه فعالیت‌های مدرسه تلقی شود. با این نگاه، راهنمایی رسالت و وظیفه کلیت نظام تربیتی و در مدرسه، وظیفه مجموعه مدرسه است و نه الزام فردی خاص. حتی اگر قرار بود فرد خاصی متولی راهنمایی باشد، بقیه عوامل مدرسه هم باید به‌صورت کامل همراه و مکمل او باشند.

پی‌نوشت‌ها

۱. تربیت رسمی در دو بستر عملی می‌شود که در ایران، آن‌ها را آموزش و پرورش و آموزش عالی می‌نامیم. در بحث حاضر، تمرکز بر آموزش و پرورش است.
۲. توصیه می‌شود مقاله «دانش‌آموزان و فضای عاری از مشاوره / تأملی بر جایگاه فراموش‌شده روان‌شناسی و مشاوره مدارس» از همین نویسنده را در دو ماهنامه شوق تغییر، شماره ۳۳ (بهار و اسفند ۱۳۹۶) بخوانید.
۳. در یکی از کتاب‌هایم با عنوان «مدرسه‌کاوی برای مدیران مدارس / ۱۱۱ نکته کاربردی برای مدیریت در مدارس متفاوت و موفق»، در فصل اول با عنوان «مدیر و نقش راهنمایی»، به تفصیل درباره ضرورت برنامه راهنمایی برای مدرسه بحث کرده‌ام. در فصل‌های دیگر هم اشاره‌هایی به این موضوع داشته‌ام. این کتاب را انتشارات پیشگامان پژوهش‌مدار چاپ کرده است.

۳. یکی از مباحث طولانی‌مدت در مدارس «نقش مشاوره‌ای معلم» بوده است که هر از چندی مطرح‌شده و بعد رو به افول گذاشته است. طبق این ایده که به‌ویژه در دوره ابتدایی مطرح می‌شود، از معلم انتظار می‌رود در امور روان‌شناختی و عاطفی دانش‌آموزان هم مداخلاتی انجام دهد.

مسئله قابل توجه درباره نقش مشاوره‌ای معلم آن است که چنین انتظاری از اساس نادرست است. اولاً کاربرد «نقش مشاوره‌ای» غلط است، چرا که مشاوره کاری تخصصی و مستلزم آموزش‌های ویژه و کسب تجربه به شمار می‌رود. معلم در نهایت می‌تواند راهنمایی دانش‌آموزان باشد. بنابراین، اگر معلم بتواند نقشی در مسائل روان‌شناختی دانش‌آموزان داشته باشد، باید آن را به «نقش راهنمایی» تعبیر کرد. ثانیاً ایفای همان «نقش راهنمایی معلم» زمانی ممکن می‌شود که از معلمان حرفه‌ای برخوردار باشیم؛ معلمانی که صلاحیت‌ها و شایستگی‌های ضروری برای معلمی را داشته باشند.

۴. راهنمایی می‌تواند در دو مفهوم عام و تخصصی به کار رود. در مفهوم عام، راهنمایی کاری است که همه می‌توانند انجام بدهند یا حداقل ادعایش را دارند. به‌طور معمول، در فرهنگ ما هر گاه موضوعی به شکل ابهام یا چالش مطرح می‌شود، هر کس نکته‌ای برای گفتن دارد و مدعی راهنمایی است. در مفهوم دیگر، راهنمایی کاری مبتنی بر دانش و تخصص است و همه نباید در آن دخالت کنند. اگر جایی صحبتی پیش بیاید که مثلاً برای پیشگیری از سرماخوردگی چه باید کرد، هر کس به فراخور تجربه‌اش رهنمودی می‌دهد که همان راهنمایی عام است و البته چندان معتبر نیست. هر چه تخصص و تبحر فرد در زمینه پزشکی و درمان بالاتر باشد، رهنمودهایش معتبرترند و می‌توان به راهنمایی‌اش اطمینان کرد. در تربیت هم گاهی بین عموم موضوعی مطرح می‌شود؛ مثلاً «چه می‌توان کرد تا فرزندان آداب معاشرت را رعایت کنند؟» شاید هر کس پیشنهادی بدهد و موضوعی را مهم بداند، اما دیدگاه و راهنمایی یک مشاور یا روان‌شناس باتجربه مفید و راهگشاست خواهد بود.

راهنمایی در مفهوم عمومی آن فقط می‌تواند برای موضوع‌ها و تصمیم‌گیری‌های ساده، کم و بیش کاربرد داشته باشد و در بقیه امور زندگی، هر چه راهنمایی علمی و تخصصی‌تر باشد، از کارآمدی و اعتبار بیشتری برخوردار خواهد بود. یکی از کارکردهای عمده «نظام راهنمایی» ارائه و ترویج راهنمایی تخصصی است.